

رابطه آموزش موسیقی به روش کارل ارف در کودکان و نوجوانان دارای اختلال کم توجهی و بی توجهی برای بهبود وضعیت درسی

مطهره دهقانی نظام آبادی

آموزگار مقطع ابتدایی ناحیه ۲

نسیم دادخدایی

آموزگار مقطع ابتدایی ناحیه ۱

چکیده:

از جمله هنرهای زیبایی، که از ابتدای آفرینش جهان در نهاد طبیعت، به ودیعت نهاده شده، موسیقی است هنری که می توان با کمک آن، احساسات را پردازش کرد و از آن می توان به عنوان یک عامل تنظیم کننده، آرام کننده اضطراب یا کمک به بهبودی بی نظمی، آشفتگی مغز، اثربخشی فراگیری افراد عادی همچنین افراد کم توان جسمی و ذهنی و ناراحتی های روحی و غیره مورد استفاده قرار داد. در واقع می توان بنا به گفته جناب "افلاطون" گفت: "که موسیقی به تمام عالم روح، به مغز ما بال، به تصوراتمان پرواز، و به همه چیز زندگی می بخشد." با توجه به این مبحث برای پاسخ به این سوال آیا موسیقی این توانایی را دارد که اشتباهات درسی را کمتر کند و به یادگیری قوت بخشد؟ پاسخ این است باید گفت که هیچ موسیقی وجود ندارد که همه بیماری ها را بهبود بخشد اما اعتقاد بر این است که از موسیقی و صدا می توان به عنوان بخشی از یک زندگی سالم استفاده کرد به طوری که در تعلیم موسیقی برای سلامتی به سازمان ها مراکز تحقیقاتی و آموزش های حرفه ای و بستر گسترش پیدا کرده است و خیلی از کلینیک ها و خدماتی را ارائه می دهند که از موسیقی در درمان بسیاری از بیماری ها کمک می گیرند با صرف وقت و تمرین موسیقی می توان بر روی سلامتی جسم اثر مثبت گذارد موسیقی باعث ایجاد موقعیت ذهنی برتر و مثبت تر میشود و زمانی که آگاهی خود را در مورد جسم نیازها احساس آن و سیستم کار جسم خود را افزایش دهیم می توانیم به طور اصولی از موسیقی در جهت زندگی سالم تر و بهتر استفاده کنیم. انسان ها دارای عملکردهای شناختی مختلف مانند توجه و حافظه هستند. توجه قدم آغازین در پردازش و عبارت است از توانایی انتخاب بخش از اطلاعات محیطی برای پردازش بعدی و بر اساس آن تمرکز و آگاهی اختلال نقص توجه- بیش فعالی و مشکلات شناختی وابسته به آن، گسیختگی های فراوانی را در زندگی روزمره کودکان ایجاد می کند که نه کودک، بلکه خانه، مدرسه و جامعه را نیز به تاثیر و اثر می کشاند. در حال حاضر این اختلال آمار بالایی است که کودکان را به خود اختصاص داده است و خانواده های زیادی را نگران کرده است. امروز موسیقی و تاثیرات نور و فیزیولوژیک آن مورد توجه بسیاری از محققان در سراسر دنیاست. تنفس، گام برداشتن، ضربان قلب، همگی سیمایه های موزون و یا ریتمیک از حیات جسمانی ما، به شمار می آیند. توانایی بیان و احساس ضرب در کودک و بزرگسال فراتر از لذت بردن و واکنش های پیش پا افتاده آنها به موسیقی ساده است. ضرب های یکسان زیربنای توانایی درک الگوهای گفتار زبان به شمار می آید و به همین جهت واجد اهمیت بسیاری است. بین شناخت و موسیقی ارتباط وجود دارد، آموزش موسیقی به صورت نظام مند و منظم را در زمینه پردازش حافظه موثر می دانند. کلیر و لوگان نیز بر این باورند، که عملکرد حافظه کوتاه مدت با بهره گیری از تحریکات موزون شنیداری متناوب، بهتر از زمانی است که تحریکات بینایی به کار برده می شود. گفته می شود موسیقی از راه تصویرسازی ذهنی، تقویت حافظه را به دنبال دارد. تداوم توجه موسیقی را در فرایند